

تطورات مطالعات ساختارپژوهی فقه در امامیه و اهل سنت

سید محمد رضی آصف آگاه^۱



چکیده

ساختار علم فقه، یکی از مباحث فلسفه فقه است. تاکنون مقاله مستقلی درباره سیر تطور ساختار علم فقه نگاشته نشده است. همان گونه که علم فقه در قرون گذشته تطورات گوناگونی را گذرانده است، ساختار این علم نیز تحولات گوناگونی داشته است. این مقاله درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، سیر تطور و تحولات ساختاری علم فقه را به صورت مقارن، از ابتدا تاکنون بررسی و بیان کند. این مقاله می‌خواهد در ضمن دو عنوان کلی مطالعات ساختارشناسی و طرح‌واره‌های تطورشناسی در ساختار دانش فقه، سیر تطور مطالعات ساختارپژوهی مقارن فقه را نیز بیان کند. دستاورد این مقاله، بیان تطورات ساختاری در فقه امامیه و اهل سنت است که در ادامه به صورت چکیده بیان می‌شود. ساختارپژوهی دست‌کم به دو گونه مطالعه ساختارشناسی و ساختاربندی اطلاق می‌شود. ساختارشناسی علم فقه چندان تطوری نداشته است؛ اما در میان امامیه از قرن هشتم هجری، شهید اول و در میان اهل سنت در قرن هشتم، محمد آملی این مباحث را آغاز کردند. مباحث ساختارشناسانه پس از طی سه دوره طراحی معیار و سپس رکود آن و دوره مجدد طراحی معیار، در قرن پانزدهم به اوج خود رسید. تطورات ساختاربندی علم فقه نسبت به دیگر علوم، بیشتر بوده است. این ساختاربندی در میان امامیه از قرن پنجم توسط حلبی، و در بین اهل سنت در قرن ششم توسط غزالی آغاز شد و در چهار مرحله پیدایش، تثبیت، رکود و نهضت ساختاربندی ادامه یافت.

واژگان کلیدی: فلسفه فقه، ساختار علم فقه، سیر تطور ساختار فقه، تبویب فقه، ساختارپژوهی، ساختارشناسی، ساختاربندی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است با نام ساختار مطلوب فقه که در پژوهشکده فقه و حقوق، از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در حال نگارش است.

۱. استاد یارگروه فلسفه فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

m.asefagah@isca.ac.ir

ساختارپژوهی یکی از مسائل فرادانشی فلسفه هر علمی از جمله علم فقه است. مباحث ساختارپژوهی حداقل در دو حوزه کلان ساختارشناسی و ساختاردهی قرار دارد.

در مباحث ساختارشناسی از اهمیت و ضرورت، پیشینه، اهداف و فواید، روش های ساختارشناسی و... بحث می شود و در ساختاربندی از مباحثی مانند اهداف ساختاربندی، معیارهای ساختاربندی، شاخص های ارزیابی، روش های ساختاربندی و کارکردهای ساختاربندی بحث می شود.

در ساختارپژوهی دانش فقه، به پرسش های متعددی پاسخ داده می شود که برخی از مهم ترین آن ها در این مباحث مطرح می شود:

۱. تطور تاریخی ساختارها: الگوهای ساختاری که در تاریخ علم فقه پدید آمده و اعمال شده است یا فقط پیشنهاد شده اند، چیستند؟

۲. ساختار مطلوب: دانش فقه چه ساختاری باید داشته باشد؟ در این مقاله مبحث اول با عنوان سیر تطور دانش فقه مورد بررسی قرار می گیرد.

کتاب ها و مقاله های متعددی با موضوع دوره های علم فقه نوشته شده است؛ اما تاکنون نوشتاری درباره تطورات ساختارپژوهی یافت نشد. خلأ نگاه درجه دو به مطالعات ساختارپژوهی، نویسنده را بر آن داشت تا سیر تطور ساختاری علم فقه را بیان کند تا از یک طرف مباحث ساختارپژوهانه از مهجوریت درآید و از طرف دیگر، چالش ها و ظرفیت های ساختاری فقه امامیه و اهل سنت روشن شود. در این مقاله ابتدا مفاهیم و اصطلاحات مرتبط بیان می شود که بیشتر آن ها از زبان نویسنده است و سپس تطورات مطالعات ساختارپژوهی و طرح واره های تطورشناسی ذکر می شود.

ساختار

برخی از دانشوران فقه، ساختار را این گونه تعریف کرده اند: چیدمانی که مباحث یک علم را صورت بندی می کند و از دو سامانه افقی و عمودی تشکیل شده است. در سامانه افقی، چگونگی ترتیب یافتن محورهای اصلی دانش در کنار هم مد نظر قرار می گیرد و در سامانه عمودی، ترتیب منطقی مباحث زیرمجموعه و زیرفصل های هر محور قرار دارد.

ساختار دانش از یک وضعیت شبکه‌ای هرم‌سان برخوردار است: شبکه‌ی عرضی و افقی، و شبکه‌ی طولی و عمودی (رشاد، ۱۳۹۰).

ساختار علم، شیوه‌ی آرایش و روش ساماندهی اجزای یک علم براساس ارتباط معقول و منسجم میان اجزای برای دستیابی به اهداف آن علم است (آصف آگاه، ۱۴۰۳، ص ۷۹-۸۰). مراد از ساختار، طرح جامع یک علم است که در آن دسته‌بندی کامل آن علم از کلی‌ترین عنوان یا عناوین شروع، تا عناوین جزئی و جزئی‌تر به صورت یک مجموعه‌ی به هم پیوسته ادامه می‌یابد.

مراد از فقه در این مقاله، بالأصله دانش فقه و فقه استدلالی است که مربوط به مقام استنباط است؛ اما از آنجا که تعدادی از ساختارها مربوط به فقه فتوایی که مرحله‌ای پس از استنباط است و به صورت رساله‌های عملیه عرضه می‌شود، به تبع آن سیر تطور ساختار فقه شامل فقه فتوایی هم می‌تواند باشد.

خرده‌ساختار و تبویب

هر ساختار می‌تواند از خرده‌ساختارهایی تشکیل شود که بخش‌های اصلی ساختار را تشکیل می‌دهند. خرده‌ساختارهایی مانند ساختار عبادی، ساختار معاملی و ساختار سیاسی یا ساختار فردی، ساختار خانوادگی و ساختار اجتماعی.

مراد از تبویب در این تحقیق، باب‌بندی مسائل علم است که در بیش از پنجاه باب در کتاب‌های فقهی به نمایش درآمده است. درحقیقت تبویب، خرده‌ساختار است و بیانگر تقسیم‌یابی است و در سیر تطور ساختار قرار نمی‌گیرد.

پیشینه‌ی اصطلاح تبویب

حداقل سه گونه دسته‌بندی می‌توان بیان کرد:

۱. دسته‌بندی رده‌ی اول: تقسیم‌بندی کل فقه به چند بخش و رده‌ی اصلی مانند عبادات و معاملات است؛
۲. دسته‌بندی رده‌ی دوم: تصور رایج از تبویب تقسیم‌بندی فقه به ابواب پنجاه و چندگانه مانند صلات و صوم است؛
۳. دسته‌بندی رده‌ی سوم: در تقسیم‌بندی اولیه‌ی کتاب‌های حدیثی فقه، تبویب به معنای دسته‌بندی

درون باب است.

کتاب‌های اصول اصحاب، غالباً دسته‌بندی نداشته‌اند و غیرمبوّب بوده‌اند؛ البته در اوایل قرن سوم تعدادی از آن‌ها دسته‌بندی شده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۸۳، ۲۵۲؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۱، ۱۸۳). نجاشی در شرح حال تعدادی از روایان مانند رفاعه بن موسی الأسدی النخاس، وهیب بن حفص می‌نویسد:

«له کتاب مبوّب فی الفرائض...» (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۴۳).

مراد از عبارت «مبوّب» باب‌بندی کل فقه به ابوابی مانند صلات و صوم نیست؛ زیرا کتاب‌های حدیثی اولیه موضوعی بودند و هریک از ابواب کنونی فقه «کتاب» نامیده می‌شدند و دسته‌بندی ذیل هر کتاب مانند کتاب صلات، تبویب نامیده می‌شد. هرگاه کتاب حدیثی شامل چند کتاب مانند کتاب صلات، زکات می‌شد «جامع» نامیده می‌شد، نه «کتاب».

تلقی نگارنده از ساختار، دسته‌بندی رده‌اول فقه (بخش‌های اصلی فقه) است. دسته‌بندی رده‌دوم فقه (ابواب فقهی) «تبویب» نامیده می‌شود و دسته‌بندی رده‌سوم (درون باب) را می‌توان «تصنیف» نامید؛ البته چنانکه گذشت، در ابتدای شکل‌گیری کتاب‌های حدیثی، مراد از تبویب اصطلاح سوم بود نه اصطلاح اول، اما اکنون چنین اصطلاحی نیست.

تا پایان قرن چهارم ساختاری یافت نشد؛ زیرا علما در پی حفظ روایاتی بودند که به دستشان می‌رسید و به ترتیبی که روایات را اخذ می‌کردند، آن‌ها را می‌نوشتند؛ اما اولین ساختارهای فقهی در قرن پنجم طراحی شد (آصف آگاه، ۱۴۰۳، ص ۷۱).

۱. تطورشناسی

مراد از سیر تطور، بیان تحولات و فرازها و فرودها و ویژگی‌های آن‌ها در یک دوره تاریخی است و مراد از سیر تطور ساختار علم فقه، بیان تحولات ساختار فقه در طول قرون گذشته بر علم فقه است.

مراد از ساختارشناسی، مطالعه درجه‌دوم درباره ساختار است. هرگونه بحث پیرامون ساختار، معرفی ساختارهای پیشین و نقد و بررسی آن‌ها است. مهم‌ترین مباحث ساختارشناسی عبارت‌اند از: تعریف ساختار و ویژگی‌های آن، تفاوت ساختار و تبویب، بیان انواع ساختار، بیان اهداف ساختاردهی، بیان

مبانی ساختاردهی، بیان اهمیت و ضرورت نیاز به ساختار، بیان ملاک‌ها و معیارهای ساختاردهی، بیان شاخص‌های ارزیابی ساختار، توجیه عقلی و عقلایی ساختار، روش‌های ساختاردهی، آسیب‌شناسی و ظرفیت‌شناسی ساختار، وضعیت‌شناسی و آینده‌پژوهی ساختار فقه، ویژگی‌های ساختار مطلوب و....

مراد از ساختاربندی، طراحی و پیشنهاد ساختار در یک نظام خوشه‌ای. تبیینی است.

سیر تطور ساختاری فقه را در دو عنوان بررسی خواهیم کرد: سیر تطور بحث از ساختار (ساختارشناسی)، سیر تطور طراحی ساختارهای فقهی (ساختاربندی).

۱-۱. تطورات مطالعات ساختارشناسی فقه

ساختارشناسی فقه، تطورات نه‌چندان زیادی داشته است. در ادامه نیم‌نگاهی به این تطورات خواهیم داشت و سیر تطور بحث از ساختار فقه (ساختارشناسی) را بیان می‌شود:

۱-۱-۱. تطورات مطالعات ساختارشناسی فقه امامیه

سیر تطور ساختارشناسی دانش فقه نزد فقیهان امامیه در ادامه می‌آید.

۱- دوره طراحی معیار ساختار و توجیه ساختار محقق حلی (قرن ۸ و ۹)

قرن هشتم اولین مباحث ساختارشناسی شکل گرفت. در این دوره فقیهان بیشتر در پی توجیه ساختار مقبول محقق حلی بودند. برای این توجیه، به طراحی معیار پرداختند و معیارهایی برای ساختاربندی طراحی کردند که عبارت‌اند از: دنیوی و اخروی بودن، قصد تقرب، جلب منفعت و دفع ضرر، حفظ مقاصد شریعت و مطلوبیت ذاتی.

شهید اول (قرن ۸)، اولین فقیهی است که درباره ساختارشناسی مطالبی بیان کرد. ایشان بر پایه معیار غرض تشریع (دنیوی و اخروی بودن)، ساختار چهاربخشی محقق حلی را توجیه نمود (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰-۳۱). فاضل مقداد (قرن ۹) سه معیار (امور دنیوی و اخروی، جلب منفعت و دفع ضرر، حفظ مقاصد شریعت) برای ساختاربندی بیان و با آن‌ها ساختار شرایع را توجیه کرد (سیوری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴-۱۵).

۲- دوره رکود مباحث ساختارشناسانه (قرن ۱۲-۱۰)

از قرن دهم تا دوازدهم ساختارشناسی رونق نداشت و فقهی یافت نشد که به مباحث ساختارشناسانه بپردازد، به گونه‌ای که ساختار را تعریف کند یا ساختاری را توجیه و معیار و ملاک آن را بیان کند.

۳- دوره مجدد طراحی ساختار و مباحث ساختارشناسانه (قرن ۱۴-۱۳)

در قرن سیزدهم و چهاردهم برخی از فقیهان ساختار محقق حلی را توجیه کردند. سید محمد جواد عاملی (قرن ۱۳) دو معیار قصد قربت و حفظ مقاصد شریعت را ذکر و ساختار محقق حلی را با آن‌ها توجیه کرد (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۷-۸). علامه بحر العلوم بابی را به مباحث ساختارشناسی اختصاص داد و در سه عنوان تبویب فقه و معیار آن، عدد عبادات، مقصود از عبادت مقداری از مباحث تبویب و ساختارشناسی را به اختصار بیان کرد (بحر العلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۸). شیخ جعفر کاشف الغطا، معیار مطلوبیت ذاتی را طراحی کرد و با آن ساختار محقق را توجیه نمود (کاشف الغطا، مخطوط، ص ۱).

۴- دوره نهضت ساختارشناسی (قرن ۱۵ تا کنون)

در این دوره بسیاری از دانشوران فقه پژوه مباحثی پیرامون ساختار به شرح ذیل مطرح کردند:

شهید مطهری برخی از ساختارهای فقهی را معرفی و کتاب شرایع الاسلام محقق حلی را نقد کرده است (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۲-۱۲۵).

آیت الله عمید زنجانی در فقه سیاسی، برخی از ساختارهای فقهی اهل سنت و امامیه را نقد کرده است (زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۳).

آیت الله مشکینی ساختار فقهی محقق حلی و ساختار پیشنهادی شهید صدر را معرفی کرده است و ساختار شهید صدر را نقد نموده است (مشکینی، بی تا، ص ۴۰۴-۴۰۶؛ مشکینی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۲).

آیت الله آصفی تعدادی از ساختارهای فقهی را معرفی کرده است و ساختار شرایع و زرقاء را نقد نموده است. ایشان ساختار شهید صدر را فی الجمله پذیرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸-۴۲).

آیت الله وحید خراسانی در درس خارج فقه سال ۱۳۹۲ تعدادی از ساختارهای فقهی را معرفی و نقد کرده است.

آیت الله اعرافی تعدادی از ساختارهای فقهی را ذکر و بررسی کرده است و ساختار جدیدی را برای فقه پیشنهاد نموده است (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸۶-۱۰۰).

آیت الله سبحانی برخی از ساختارهای فقهی را گزارش کرده است (سبحانی، ۱۴۲۹ق، ص ۷۸).

در کتاب دائرة المعارف فقه مقارن برخی از ساختارهای فقهی امامیه و اهل سنت معرفی شده و یک ساختار برای فقه پیشنهاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۴۷).

آیت الله هاشمی شاهرودی بعضی از ساختارهای فقهی را گزارش و نقد کرده است و ساختار جدیدی برای فقه طراحی کرده است (هاشمی شاهرودی، درس خارج فقه، جلسه ۴۵۷).

آیت الله مبلغی (مبلغی، ۱۳۹۷) و آیت الله رشاد (رشاد، ۱۳۹۰) مقداری از مباحث ساختارپژوهی را بیان کرده است؛ مباحثی مانند: تعریف، ضرورت، اهداف و آسیب شناسی.

مهدی انصاری قمی، ساختار غزالی و شافعیه از اهل سنت و ساختارهای سَلار، حلبی، ابن براج، محقق حلبی و فیض کاشانی از امامیه را معرفی نموده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸-۲۱).

سید حسین مدرسی برخی از ساختارهای فقهی امامیه و اهل سنت را معرفی کرده است (مدرسی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰-۲۹).

شیخ علی خازم ابواب فقه را به طور مبسوط معرفی کرده است و تعدادی از ساختارهای فقهی را نقد نموده است (خازم، بی تا، ص ۳۶-۸۱).

یعقوبعلی برجی تعدادی از ساختارهای فقهی امامیه و اهل سنت را معرفی و نقد نموده است و یک ساختار پیشنهاد نموده است (برجی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۱-۲۶۲).

رضا اسلامی، تبویب فقه شیعه و فقه اهل سنت را مفصل بیان کرده است و تعدادی از ساختارهای فقهی امامیه و اهل سنت را معرفی و نقد کرده است (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷-۲۵۴، ۵۳۱-۵۵۰).

حسین حسن زاده تعدادی از ساختارهای فقهی امامیه و اهل سنت را با نمودار بیان و ارزیابی کرده است (حسن زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۶۱-۲۹۳).

کرباسی زاده تعدادی از ساختارهای فقهی را ذکر و ارزیابی کرده است. ایشان ساختار مفصلی را برای فقه پیشنهاد نموده است (کرباسی زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳-۱۴۷).

۱-۲. تطورات مطالعات ساختارشناسی فقه اهل سنت^۲

در کتاب‌های اهل سنت مباحث ساختارشناسانه چندانی یافت نشد؛ ولی برخی از دانشوران فقه اهل سنت ساختارهای مذاهب فقهی را به اجمال و ضمن چند جمله یا چند صفحه از کتاب خود بررسی کرده‌اند که بیشتر مربوط به قرن پانزدهم است. سیر تطور ساختارشناسی دانش فقه نزد فقیهان اهل سنت از این قرار است:

محمد آملی (۷۵۸ق) برخی از ساختارهای اهل سنت را توجیه کرده است (آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۵۰).

فاروقی تهمانی (۱۱۵۸ق) بحث مختصری از ساختار شافعیه نموده است (فاروقی، ۱۸۶۲م، ج ۲، ص ۱۰۴۶).

محمد دسوقی (۱۲۳۲ق) به تعدادی از ساختارهای اهل سنت اشاره کرده است (دسوقی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲-۳۳).

محمد یوسف موسی (۱۳۸۰ق) به اختصار برخی از ساختارهای اهل سنت را معرفی کرده است (یوسف موسی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۱۴-۱۱۷).

محمد مصطفی شلبی (۱۴۰۱ق) تقسیم عبادات و معاملات را به اختصار بیان نموده است (شلبی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲).

عمر سلیمان اشقر (۱۴۳۳ق) تعدادی از ساختارهای فقهی اهل سنت را معرفی کرده است (اشقر، ۱۴۲۵ق، ص ۳۹-۴۰).

بدران ابوالعینین بدران تعدادی از ساختارهای فقهی را ذکر نموده است (بدران، بی تا، ص ۱۴-۱۹).

ابراهیم عبدالرحمن ابراهیم به اختصار چند ساختار فقهی اهل سنت را معرفی کرده است (ابراهیم عبدالرحمن، ۲۰۰۶م، ص ۱۲-۱۴).

۲-۱. طرح‌واره‌های تطورشناسی در ساختار دانش فقه

سیر تطور ساختارهای فقهی در امامیه و اهل سنت تفاوت‌هایی دارد؛ از این رو سیر تطور ساختارهای فقهی را در طرح‌واره‌های تطورشناسی پی می‌گیریم.

۱-۲-۱. طرح‌واره‌های تطورشناسی در ساختار فقه امامیه

ساختارهای امامیه در طول تاریخ، تطورات گوناگونی را پشت سر گذاشته‌اند. دو طرح‌واره و سیر تطور مطرح شده است و نگارنده طرح‌واره و سیر تطور سوم را بیان می‌کند.

۱-۲-۱-۱. طرح‌واره و سیر تطور اول

آیت‌الله مبلغی (معاصر) تطورات پیکربندی فقه را در چهار دوره چنین ترسیم کرده است:

دوره اول: پیکربندی براساس وحدت موضوعی روایات گوناگون؛ در این دوره کتاب‌های فقهی غیرتفریعی مانند مقنع، مقنعه و نهاییه که به صورت متن روایات است، براساس قرابت موضوع در ابواب مختلف تنظیم شد.

دوره دوم: ابداع طرح‌هایی برای پیکربندی فقه؛ در این دوره دسته‌بندی فقه براساس نظریه‌هایی مانند حسن و قبح (در ساختار حلی)، مقاصد شریعت، اهداف دنیوی و اخروی (در ساختار محقق حلی) شکل گرفت و فقه به صورت اجتهادی درآمد. در این دوره فقیهان سعی کردند ادبیات اجتهادی فقه را در یک پیکربندی مدون نظم دهند. سلالر، حلی، ابن براج و محقق حلی از این دسته‌اند. شهید اول در میانه دوره دوم و سوم است؛ زیرا ایشان در القواعد والفوائد طرحی نو ارائه کرد، اما در تألیفات فقهی خود از ساختار محقق حلی پیروی کرد.

دوره سوم: رکود؛ این دوره بعد از محقق حلی شروع شد و تا دوران معاصر ادامه دارد. ساختار محقق حلی بر ذهن فقیهان سایه افکند و طرحی نو ارائه نشد.

دوره چهارم: ابداع‌های در حاشیه؛ در این دوره طرح‌های پیشنهادی متعددی ارائه شد؛ اما کمتر فراگیر شد و حتی خود نویسنده هم در کتاب‌های فقهی خود از آن طرح پیروی نکرد.

۱-۲-۲. طرح‌واره و سیر تطور دوم

برخی از دانشوران فقه با تغییر اندکی در بیان تطورات یادشده، نوشته‌اند که در بررسی تاریخی ساختارهای فقه شیعه به لحاظ ساختار، سه دوره داشته است:

دوره اول: دوره ارائه ساختارهای بسیط غیر متکی به منطقی خاص (از فقه‌های اقدم تا شیخ طوسی). از کلینی (۳۲۹ ق) تا شیخ طوسی در کتاب‌های مقنع، هدایه، مقنعه، فقه الرضا ابواب فقهی بدون منطق خاصی جمع‌آوری می‌شد. گویا دغدغه اصلی آن دوره جمع‌آوری سرمایه‌ها و تراث حدیثی-فقهی بود.

دوره دوم: دوره ابداع ساختارهای فقهی (از سلار تا شهید اول). از سلار (۴۴۸ ق) این دوره شروع شد. این ساختار بر پایه عبادات و معاملات و احکام چینش شد. حلبی (۴۴۷ ق) ساختارش را بر اساس قاعده حسن و قبح عقلی استوار کرد. محقق حلی (۶۷۶ ق) ساختار خود را ابتدا به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرد و هر بخش را به شش قسم تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ارکان، فصول، مقدمات، انظار، فقرات، بحوث و اجزاء. شهید اول (۷۸۶ ق) با هشت پیش فرض و معیار ساختار خود را چینش کرد که عبارت‌اند از: پیش فرض‌های علم کلام و فلسفه تشریع احکام، جلب منفعت و دفع مفسده بالاصالة و بالتبع، اهداف دنیوی و اخروی، حواس پنج‌گانه، وسایل و اسباب، ضرورت زندگی اجتماعی و ملزومات آن، مانند وجود شریعت و سانس، که امام یا نائب او است.

دوره سوم: دوره رکود و ابداع‌های در حاشیه (بعد از شهید اول تا دوران معاصر). فیض (۱۰۹۰ ق) با دیدگاه جامعه‌شناختی ساختار خود را چینش کرد. سید محمد جواد عاملی (۱۲۲۶ ق) بر پایه نظریه مقاصد شریعت، فقه را به چهار بخش عبادات، معاملات، عادات و سیاسات تقسیم کرد. شهید صدر (۱۴۰۰ ق) با هماهنگ‌سازی میان فقه و حقوق تقسیمی چهاربخشی را ارائه کرد.

علت نامیدن این دوره به دوره رکود آن است که هرچند در این دوره ابداع‌هایی وجود داشت، اما این ابداعات به صورت حرکت مستمر وارد بدنه فعالیت‌های فقهی نشد یا توسط فقها پی‌گیری نشد و در حاشیه ماند. راکد ماندن ساختار در آن چند قرن بسیار نامطلوب بود و فضای ایجاد و رونق اندیشه‌های جدید را بست (هالایان، ۱۴۰۳، ص ۲۰).

نقد و بررسی

این دو سیر تطور و دوره‌شناسی کامل نیستند و اشکال‌هایی دارند، از جمله:

۱. دوره اول به عنوان یک دوره ساختار یا پیکربندی فقه محسوب نمی‌شود؛ زیرا در این دوره تنها تبویب ارائه شده است و چنانکه گذشت، میان تبویب و ساختار تفاوت است.

۲. دوره دوم، دو دوره مجزا است که در یک دوره جای گرفته‌اند و لازم است به دو دوره تفکیک شوند: دوره پیدایش ساختاربندی فقه و دوره تثبیت ساختار فقه.

۳. دوره چهارم دوره طلایی ساختاربندی است و از نظر طراحی ساختار در تمام تاریخ فقه نظیر ندارد. نامیدن این دوره به «ابداع‌های در حاشیه» مناسب نیست؛ زیرا این دوره، دوره طراحی ساختارهای گوناگون است و به این جهت، سزاوار نیست به یک دوره اختصاص یابد. بله، تدوین فقه براساس ساختار طراحی شده، دوره‌ای جداگانه است که می‌تواند دوره پنجم ساختاربندی نام گیرد.

۱-۲-۳. طرح‌واره و سیر تطور سوم (تحولات ساختاربندی فقه در امامیه)

سیر تطور ساختارهای فقهی امامیه را می‌توان به طور خلاصه در چند دوره بیان کرد:

۱- دوره پیدایش و تدوین ساختار علم فقه؛ دوره گذار از تبویب به ساختار (قرن ۵ و ۶)

قرن پنجم در فقه امامیه، دوره تأسیس ساختار است. در این قرن اولین ساختار فقهی امامیه شکل گرفت و پس از آن دو ساختار دیگر نیز طراحی شد. ویژگی این دوره، گذر از تبویب به ساختار است. قبل از این دوره، یعنی تا قبل از قرن پنجم، تبویب‌های فقهی یافت شد و فقیهان ابواب فقهی را با نام کتاب (کتاب الطهارة، کتاب الصلاة و...) تبویب کردند؛ اما در این دوره، تبویب‌های فقهی در چارچوب کلی تر قرار داده شدند و ابواب فقهی ذیل یک عنوان عام تر قرار گرفتند و ابواب حدود پنجاه و چندگانه فقه در چند بخش، مانند عبادات و معاملات جای گرفتند.

اولین ساختار از ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ ق) در کتاب الکافی فی الفقه است. ایشان ساختار سه بخشی عبادات و محرمات و احکام را نگاشت (حلبی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹ به بعد). این ساختار هر چند نقاط ضعف‌هایی دارد، اما ساختاری بی‌سابقه است؛ پس از او سلار (۴۴۸ ق) در کتاب المراسم ساختار بدیعی را طراحی



کرد و فقه خود را براساس آن تدوین کرد. ایشان ساختار دو بخشی عبادات و معاملات را نگاشت (دیلمی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸ به بعد). این ساختار پایه ساختار محقق حلی در شرائع الاسلام شد؛ پس از حلی و سلار، ابن براج (۴۸۱ق) در کتاب المذهب ساختار دو بخشی (عبادات و غیر عبادات) را با معیار «مقدار ابتلا» طراحی کرد (طرابلسی، ۱۴۰۶ ص ۱۸).

ویژگی‌های این دوره عبارت‌اند از:

۱. تدوین فقه بر پایه ساختار: در این دوره سه ساختار یافت شد و براساس دو ساختار، فقه تدوین شد. حلی و سلار، کتاب فقهی خود را براساس طرح ساختاری خود نگاشتند و دو کتاب الکافی فی الفقه و المراسم را نوشتند؛ البته قاضی ابن براج ساختار معرفی کرد، ولی کتاب المذهب را بر پایه ساختار پیشنهادی اش نگاشت؛ در نتیجه می‌توان گفت در این قرن دو ساختار مدون شکل گرفت. تدوین فقه براساس ساختار، ویژگی بارز این دوره است؛ زیرا دو سوم ساختارها مدون گشتند. در تاریخ فقه فقط چهار ساختار تدوین شده که دو عدد آن در این دوره بوده است.

۲. طراحی ساختارهای درون فقهی و مستقل: ساختارهای طراحی شده در این دوره بر پایه استقصای مسائل و ابواب فقهی است؛ به این نحوه که با تجميع مسائل فقهی، ابواب فقهی در طول حیات فقه تاقرن پنجم شکل گرفت. در قرن پنجم ابواب فقهی در بخش‌های اصلی چندگانه سامان‌دهی شد و این گونه، ساختارهای فقهی شکل گرفت.

۲- دوره تثبیت ساختار علم فقه (قرن ۷)

در قرن هفتم محقق حلی ساختار فقه را در چهار بخش عبادات، عقود، ایقاع و احکام طراحی کرد (حلی، ۱۳۸۹ق، ص ۸). این ساختار را فقیهان امامیه پذیرفتند و تاکنون قبول شده در علم فقه است. در این دوره با پذیرش ساختار ازسوی فقیهان، ساختار علم فقه تثبیت شد. ویژگی‌های این دوره از این قرارند:

۱. مقبولیت ساختار: این ساختار ازسوی فقیهان پذیرفته شد و تاکنون ادامه یافته است.
۲. مشهورترین، رایج‌ترین و مهم‌ترین ساختار پذیرفته شده در تاریخ علم فقه است.

۳- دوره رکود ساختار بندی: دوره تقلید در ساختار (قرن ۸ تا ۱۵)

بعد از محقق حلی در قرن هفتم، ساختار بندی به رکود رفت و دوره تقلید از ساختار محقق حلی در شرائع الاسلام شروع شد. دوره تقلید، قرن ها طول کشید و در ساختار مدونی که محقق حلی ترسیم کرد تاکنون ادامه دارد؛ هرچند در طراحی، ساختارهای بسیاری پیشنهاد شد؛ اما تاکنون به مرحله تدوین ساختار برای علم فقه نرسیده است.

شهید اول (۷۸۷ق) ساختار دوجنشی عبادات و معاملات را براساس غرض اهم به تفصیل طراحی کرد (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۱). فاضل مقداد (۸۲۶ق) ساختار پنج بخشی عبادات، معاملات، تناکح، عقوبات و احکام را ارائه نمود (سیوری، ۱۴۰۳، ص ۱۶۸-۴۸۶). فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) چهار ساختار در کتاب های مفاتیح الشرائع، النخبه، الوافی والشافی طراحی کرد. ساختار دوجنشی مفاتیح الشرائع (عبادات و سیاسات، عادات و معاملات) ساختار جدید و دارای نوآوری است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ص ۷). سید محمد جواد عاملی (۱۲۲۶ق) ساختار چهار بخشی عبادات، سیاسات، عادات و معاملات را با الهام از ساختار دوجنشی فیض کاشانی طراحی کرد (سید محمد جواد عاملی، ۱۴۱۹ق، ص ۷-۸).

۴- دوره نهضت ساختار بندی (قرن ۱۵ تاکنون)

قرن پانزدهم را می توان قرن نهضت ساختار بندی نامید. در این قرن ساختارهای زیادی طراحی شدند. براساس بررسی های انجام شده می توان گفت اولین ساختار ناظر به حقوق در امامیه توسط شهید صدر (۱۴۰۰) طراحی شد (صدر، ۱۴۲۳ق، ۱۴۲-۱۴۴). این ساختار از چهار بخش عبادات، اموال، سلوک خاص و سلوک عام تشکیل شده است. به واسطه نوآوری و ویژه ای که در ساختار شهید صدر بود. فقیهان متعددی با الهام از ایشان ساختارهایی را برای فقه پیشنهاد کردند.

آیت الله سید محمد حسین فضل الله ساختار دوجنشی عبادات و معاملات را برای فقه طراحی کرد (فضل الله، ج ۱، ص ۹). آیت الله مشکینی ساختار شش بخشی (عبادات، شئون فردی، شئون عائلیه، احوال شخصی، ولایات و شئون قضایی و جزایی) را برای فقه پیشنهاد نمود (مشکینی، ۱۴۱۸ق، ص ۵-۶). آیت الله عبدالهادی فضلای ساختار هفت بخشی (عبادات، احوال شخصیه، معاملات مالیه، اطعمه و اشربه، الزامات شخصیه، حکم و عقوبات) را ارائه کرد (فضلی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۱). آیت الله یزدی ساختار چهار بخشی عبادات،

حکومیات، عقود و ایقاعات، اجتماعیات را برای فقه طرح کرد (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷-۲۸).

آیت الله عمید زنجانی ساختار هفت بخشی (فقه عام، فقه قضایی، فقه مدنی، فقه خانواده، فقه اقتصادی، فقه عبادی و فقه سیاسی) را عرضه کرد (زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷). آیت الله مؤمن ساختار سه بخشی احکام متعلق به تمام مکلفان، احکام قضایی و احکام جامعه و حکومت را پیشنهاد کرد (مؤمن، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵-۶). آیت الله اشتیاردی ساختار دو بخشی را برای فقه جوارحی به اعتبار سلوک با خدا و سلوک با خلق تنظیم کرد (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵-۶). آیت الله هاشمی شاهرودی ساختار چهار بخشی (عبادات، اموال، عسرت و سلوک، حکومت و سیاسات) را بنیان نهاد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳، درس خارج فقه، ج ۴۵۸). گرجی ساختار شش بخشی (رابطه با خدا، احوال شخصیه، روابطی که به انشاء نیاز دارد، خوردنی ها و آشامیدنی ها، قضا و شهادات، حکومت) را برای فقه پیشنهاد کرده است (گرجی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱-۲۲).

آیت الله اعرافی ساختار چهار بخشی ارتباط با خدا (فقه عبادی)، ارتباط با خود (فقه اخلاقی)، ارتباط با دیگران (فقه سیاسی، اقتصادی، تربیتی، اجتماعی) و نیز ارتباط با طبیعت (فقه محیط زیست) را برای فقه ارائه کرد (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۰). آیت الله شیخ محسن اراکی ساختار سه بخشی فقه عام، فقه سلوک فردی (سلوک با خدا، خود، انسان و غیر انسان) و فقه سلوک اجتماعی (واجبات جامعه، دولت و مردم) را پیشنهاد کرد (سلسله نشست های تخصصی مطالعه نوآوری و دانش های دینی، شماره ۱۴۹، ص ۸). ساختار پنج بخشی (عبادات، مسائل اقتصادی، نظام خانواده، احکام حلال و حرام، سیاسات) در کتاب دائرة المعارف فقه مقارن (زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی) برای فقه پیشنهاد شد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵۲-۴۵۳).

آل نجف ساختار چهار بخشی را بر پایه ارتباطات چهارگانه انسانی تنظیم کرده است (آل نجف، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸ به بعد). بی آزار شیرازی ساختار چهار بخشی (عبادات، مسائل اقتصادی، مسائل خانوادگی، مسائل سیاسی و حقوقی) را برای توصیه کرده است (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۵-۵۹). برجی ساختار پنج بخشی (احکام عبادی، اقتصادی، آداب شخصی و اجتماعی، قضایی و جزایی، سیاسی را برای فقه پیشنهاد کرده است (برجی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۱). حسن زاده ساختار دو بخشی عبادات و معاملات را با تنظیمی خاص برای فقه طرح کرده است (حسن زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۹۳-۲۹۵).

ساختارهای پیشنهادی در این قرن دارای ویژگی‌های ذیل هستند:

۱. دوره نوآوری ساختاری: در این دوره ساختارها با معیارهای گوناگونی طراحی شدند و از این جهت دارای نوآوری هستند. نوآوری‌های ساختاری در این دوره عبارت‌اند از: ساختار بندی فقه بر پایه معیار ارتباطات انسانی، مانند ساختار آیت‌الله اعرافی، معیار مراحل طبیعی زندگی در ساختار آیت‌الله فضل‌الله، معیار نیازهای بشر در ساختار بی‌آزار شیرازی.

۲. دوره ساختارهای پیشنهادی: این دوره را می‌توان دوره طراحی ساختار نامید؛ زیرا دانشوران فقه تنها موفق به ارائه مدل ساختاری خود شدند؛ اما نتوانستند این مدل و ساختار را در فقه پیاده کرده و یک ساختار مدون فقهی ارائه کنند.

۳. دوره ساختارهای ناظر به حقوق: برخلاف دوره‌های پیشین که ساختارهای فقهی، ساختارهای مستقل‌اند؛ به این معنا که مستقل از حقوق طراحی شده‌اند. در این دوره ساختارهای فقهی با نیمی‌نگاهی به فقه طراحی شده‌اند. ساختار شهید صدر، آیت‌الله عمید زنجانی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله اعرافی از این دسته‌اند.

۴. دوره ساختارهای سلوک محور: تعداد قابل توجهی از ساختارهای پیشنهادی در این دوره بر پایه سلوک طراحی شده‌اند. در ابتدای این قرن شهید صدر ساختار فقهی سلوک محور را طراحی کرد و به دنبال او فقیهان متعددی به نحوی از این ساختار بهره بردند. در این میان، ساختارهای آیت‌الله هاشمی شاهرودی و آیت‌الله اراکی بیشتر سلوک محورند.

۵. دوره ساختارهای بر پایه روابط انسانی: یکی از ویژگی‌های بارز ساختاری در این دوره، طراحی ساختار با معیار روابط انسانی است. ساختارها در دوره‌های قبل درون فقهی و بر پایه دسته‌بندی ابواب و مسائل فقهی بود، اما در این دوره ساختارهای بیرون فقهی و بر پایه روابط انسانی شکل گرفت. ساختار آیت‌الله اعرافی از این دسته‌اند.

۶. دوره ساختار بندی بر پایه فقه‌های تخصصی: در این دوره که هنوز ادامه دارد، توجه به فقه‌های تخصصی و نوین معطوف است و تلاش‌های زیادی شده تا فقه‌های نوین سامان دهی شوند؛ اما هنوز به نتیجه نرسیده است.

۷. دوره ساختارهای فقه تقنین: در فقه امامیه از زمان نگارش تحریر مجله الاحکام، فقه در عرصه قانون نمود یافت. زمینه فقه قانون گذاری از مشروطه فراهم شد. بعد از انقلاب اسلامی فقه تقنین مورد توجه قرار گرفت؛ اما تاکنون ساختار فقه تقنین به روشنی تبیین نشده است.

۸. دوره ساختارهای فقه فتوایی: در این دوره سعی بر آن است تا فقه فتوایی بر پایه نیاز اصناف مکلفان و سبک زندگی مردم طراحی شود. تاکنون این تلاش ها به ثمر نرسیده است؛ اما بارقه هایی از امید در به نتیجه رسیدن آن در این قرن دیده می شود.

۹. دوره ساختارهای اجتماعی-سیاسی: ساختارهای فقهی دوره های پیشین بیشتر ساختار فردی بودند؛ اما ساختارهای فقهی در این دوره تا حدودی ناظر به مسائل اجتماعی و سیاسی هستند.

۱۰. دوره ساختارهای ناظر به نیاز: ساختارهای فقهی در این دوره، به طور نسبی و حداقلی ناظر به نیازها طراحی شده اند؛ هرچند فاصله زیادی با برآورده شدن تمام نیازهای انسانی، بلکه نیازهای مورد تقاضای جامعه و نظام اسلامی و انسان معاصر دارند.

۱۱. دوره ساختارهای بر پایه سنخ موضوع: در این دوره ساختارهای متنوعی پیشنهاد شد؛ اما یکی از ساختارهای رایج که امید آن می رود در آینده مورد اقبال قرار گیرد، ساختار براساس سنخ موضوعات است. ساختار فقه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بر این پایه طراحی شده اند.

۱-۲-۲. طرح واره تطورشناسی در ساختار فقه اهل سنت

تطورات ساختارهای اهل سنت را می توان این گونه ترسیم کرد:

۱- دوره تأسیس ساختار علم فقه (قرن ۶)

ساختار بندی علم فقه از منظر اهل سنت از قرن ششم توسط غزالی ترسیم شد. وی ساختار چهار بخشی (عبادات، عادات، منجیات و مهملکات) را تنظیم و احیاء علوم الدین را براساس آن نگاشت (غزالی، ج ۱، ص ۴۰۳).^۲ به زعم برخی، این ساختار با تغییراتی در ساختار فقهی حنبلی ها (عبادات، معاملات) به کار گرفته شده است (آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۵۰) و از نظر برخی دیگر، این تقسیم بر متون فقه شافعی تاثیر گذاشته و براساس آن فقه به چهار دسته تقسیم شده است: عبادات، معاملات، مناکحات و جنایات (مدرسی طباطبائی، ۱۴۱۰، ق، ص ۲۰).

۲- دوره رکود (از قرن ۶ تا قرن ۴۱)

از قرن ششم تا قرن چهاردهم ساختار بسیار کمی یافت شد. قرن هشتم ساختار دو بخشی (عبادات و معاملات) ابن جزی است (ابن جزی، ۱۹۶۸ م، ص ۹۱۶). قرن دهم ساختار ابن نجیم است که ساختار سه بخشی (عبادات، معاملات و مزاجر) است (ابن نجیم، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۹). در قرن سیزدهم ابن عابدین ساختار سه بخشی (عبادات، معاملات و عقوبات) را برای فقه طراحی کرد (ابن عابدین، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۸۵ به بعد) که گویا همان ساختار ابن نجیم است و تنها بخش سوم از نظری لفظی متفاوت است. ابن نجیم نام آن را مزاجر و ابن عابدین عقوبات نامیده است. این سه فقیه ساختار خود را مدون نکرده و فقه خود را در ساختار طراحی شده خویش قرار ندادند.

بسیاری از کتاب‌های اهل سنت تا قرن چهاردهم از همان تبویب‌های درون مذاهب اهل سنت پیروی کردند و در حد تبویب باقی ماندند؛ از این رو ساختار جدیدی یافت نشد.

۳- دوره نهضت پیروی از ساختار حقوق (۲۲۳۱ ق. تا کنون)

از قرن چهاردهم دانشوران فقه اهل سنت به ساختار علم حقوق رو آوردند و نهضت پیروی از ساختار علم حقوق شروع شد. زرقاء، اولین نفری بود که ساختاری ناظر به علم حقوق طراحی کرد؛ پس از او بسیاری از دانشوران اهل سنت از او پیروی کردند و ساختارهای پیرو و ناظر به حقوق رواج یافت (آصف آگاه، ساختار علم فقه، ص ۴۳۰ به بعد).

مصطفی زرقاء (۱۳۲۲ ق) ساختار هفت بخشی (عبادات، احوال شخصیه، معاملات، سیاست شرعی، عقوبات، سیر و حقوق بین الملل، آداب) برای فقه طراحی کرد (زرقاء، ۱۹۶۷ م، ج ۱، ص ۵۵-۵۶). خضری بک (۱۳۴۵ ق) ساختار دو بخشی رابطه با خدا و رابطه با بندگان را برای فقه عرضه کرد (خضری بک، ۱۹۹۲ م، ص ۳۳). خلاف (۱۳۷۵ ق) ساختار هشت بخشی (عبادات، احوال شخصیه، معاملات مدنی، احکام جنایی، مرافعات، احکام دستوری، احکام دولتی، احکام اقتصادی و مالی) برای فقه طراحی کرد (خلاف، ۱۹۹۲ م، ص ۳۲-۳۳). شلتوت (۱۳۸۳ ق) ساختار پنج بخشی (عبادات، نظام خانواده، اموال، عقوبات، امت در اسلام) برای فقه پیشنهاد کرد (شلتوت، بی تا، ص ۷۳).

در قرن پانزدهم ساختارهای متعددی برای فقه از سوی اهل سنت پیشنهاد شد که به دو دسته

ساختارهای متناظر با حقوق و ساختارهای مستقل قابل تقسیم‌اند.

الف. ساختارهای متناظر با حقوق

وهبه زحیلی ساختار شش بخشی (عبادات، نظریه‌های فقهی، معاملات، ملکیت، فقه عام و دولت، احوال شخصی) برای فقه طراحی کرده است (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

جمال عطیه ساختار شانزده بخشی ذیل را برای فقه پیشنهاد کرد: شریعت، ایمان، اخلاق، مقاصد شریعت، حقوق بشر، ضوابط شرعی علوم، شعائر، احوال شخصیه، معاملات مدنی و تجاری، تشریع جزایی، نظام حکومت، قضاوت، نظام اداری، نظام مالی و اقتصادی، روابط بین المللی و روابط خاص میان دولت‌ها. این ساختار گسترده‌ترین ساختار فقهی در تاریخ ساختاردهی فقه است (جمال عطیه، ۱۴۲۰ق، ص ۷۵-۱۴۰).

موسوعه فقهیه کویتیه ساختار هفت بخشی (عبادات، احوال شخصیه، معاملات، مرافعات، قانون اساسی، سیر، حظر و اباحه، قانون جزایی و جنایی) برای فقه پیشنهاد کرده است (وزاره الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۷-۴۹).

ب. ساختارهای مستقل

احمد عطا ساختار سه بخشی (حلال و حرام میان انسان و خدا، حلال و حرام میان انسان و خود، حلال و حرام در روابط انسانی) را بر پایه حلال و حرام مطرح کرد (عطا، ۱۳۹۲، ص ۷).

علویط ساختار سه بخشی (احکام دینی، دینی-دنیوی، دنیوی-دینی) پیشنهاد کرد (علویط، ۲۰۱۴م، ص ۵-۱۰).

زیدان ساختار نه بخشی (عبادات، ایمان و ندور، اضاحی، حظر و اباحه، حقوق و تکالیف، جرایم و عقوبات، احکام خانواده، تصرفات مالی، مرضی و موتی) را توصیه کرد (زیدان، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰-۱۵).

۲. تحلیل تطورات مطالعات ساختارپژوهی فقه در امامیه و اهل سنت

مباحث ساختارشناسانه در طول تاریخ فقه مهجور بوده است و تعداد کمی از فقیهان در حد چند سطر یا چند صفحه به آن اشاره کرده‌اند. در قرن پانزدهم بحث ساختارشناسی و تبویب‌شناسی مورد توجه اندکی از دانشوران فقه امامیه و اهل سنت قرار گرفت و بیشتر معطوف به طراحی معیار برای ساختار و تبویب و توجیه آن بود. گویا این مهجوریت ناشی از شکلی و تزئین دانستن ساختار است؛ در حالی که فقیهان بیشتر محتوای فقه را کنکاش کرده‌اند.

تطورات ساختارشناسی کمتر از ساختاربندی بوده است. وجه آن را می‌توان چنین تحلیل کرد که نگاه درجه دوم به مطالعات علمی از جمله ساختار و تحلیل و بررسی آن، امری راجعی در میان فقیهان و دانشوران فقه نبوده است. مقایسه ساختارشناسی در امامیه و اهل سنت پرده از این واقعیت برمی‌دارد که ساختارشناسی در میان فقیهان امامیه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. مباحث مربوط به ساختاربندی در امامیه و اهل سنت در قرن پانزدهم و مقداری قبل از آن، تا اندازه‌ای رونق یافت و ساختارهای متعددی پیشنهاد شد. با مقایسه ساختاربندی نزد امامیه و اهل سنت می‌توان گفت ساختارهای اهل سنت بیشتر پیرو ساختار حقوق شده است. از زرقاء به بعد، دانشوران فقه در طراحی ساختار فقه از ساختار حقوق وام گرفته‌اند؛ اما ساختارهای امامیه یا مستقل از حقوق‌اند یا ناظر به حقوق هستند (نه پیرو) و تلاش شده است تا به ظرفیت‌های ساختاری حقوق در ساختار فقه توجه شود.

ارائه طرح‌واره‌های تطورشناسی در ساختار امامیه یافت شد و در این مقاله سه طرح‌واره تطورشناسی بیان شد؛ اما در میان اهل سنت طرح‌واره تطورشناسی و سیر تطور ساختارهای اهل سنت یافت نشد؛ هرچند اهل سنت کتاب‌های متعددی با عنوان مدخل برای شریعت و فقه نگاشته‌اند، اما ساختارها را تطورشناسی نکرده‌اند.

پیشنهاد نویسنده آن است که مباحث درجه دوم ساختارشناسانه ترویج شود و اساتید و دانشوران فقه به آن اهتمام ورزند و در درس‌های خارج و دانشگاه‌ها و به‌ویژه پژوهشگاه‌ها به این گونه مباحث پرداخته شود.

نتایج به دست آمده از این مقاله را می‌توان در ادامه این گونه بیان کرد:

۱. همان گونه که علم فقه در قرون گذشته تطورات متعددی را گذرانده، ساختار علم فقه نیز تحولات گوناگونی داشته است.
۲. سیر تطور ساختار علم فقه، فراز و فرودهای ساختاری علم فقه را در طول حیات این علم نشان می‌دهد.
۳. ساختار پژوهی دست کم به دو گونه مطالعه ساختارشناسی و ساختاربندی اطلاق می‌شود.
۴. ساختارشناسی علم فقه در امامیه چندان تطوری نداشته است و از قرن هشتم قمری توسط شهید اول شروع شد و در قرن پانزدهم به اوج خود رسید.
۵. سیر تطور ساختارشناسی در امامیه چهار دوره داشت: طراحی و توجیه ساختار محقق، رکود مباحث ساختارشناسانه، دوره مجدد طراحی ساختار و مباحث ساختارشناسانه، نهضت ساختارشناسی. در دوره اول بیشتر به توجیه ساختار محقق حلی پرداختند؛ در دوره‌های بعد، بیشتر به معرفی و نقد ساختارها اشاره کردند و در قرن پانزدهم برخی از مطالعات درجه دوم ساختار به صورت بسیار اجمالی شکل گرفت.
۶. ساختارشناسی در اهل سنت تطوری نداشته است و چند نفر از عالمان قرن پانزدهم اهل سنت در حد معرفی و نقد تعدادی از ساختارهای فقهی، به مباحث ساختارشناسانه اشاره کرده‌اند.
۷. تطورات ساختاربندی علم فقه در امامیه نسبت به علم فقه اهل سنت بیشتر بوده است و از قرن پنجم توسط حلی آغاز شد و در چهار مرحله پیدایش، تثبیت، رکود و نهضت ساختاربندی ادامه یافته است.
۸. تطور چهارگانه ساختاربندی دانش فقه در امامیه چنین است: در دوره اول، گذر از تبویب به ساختار و تدوین فقه بر پایه ساختار است؛ دوره دوم تثبیت ساختار فقه با طراحی ساختار فقه توسط محقق حلی در شرایع الاسلام و مقبولیت یافتن میان فقیهان است؛ دوره سوم دوره رکود است، به گونه‌ای که طی هفت قرن فقط چهار ساختار طراحی شد؛ دوره چهارم قرن شکوفایی طراحی ساختار است.
۹. سیر تطور ساختاربندی علم فقه در اهل سنت سه مرحله تأسیس، رکود و نهضت ساختاربندی داشته است. ساختاربندی در اهل سنت از قرن ششم شروع شد و پس از زمانی طولانی در رکود بودن، در قرن چهاردهم و پانزدهم چندین ساختار طراحی شد.
۱۰. تطور ساختار فقه در اهل سنت در قرن ۱۴ و ۱۵ و در امامیه در قرن ۱۵ از تمام قرون بیشتر است و این نشانگر آن است که مباحث فلسفه فقه از جمله بحث ساختار فقه رونق یافته و از مهجوری

بیرون آمده است.

۱۱. طراحی ساختار در امامیه در قرن پانزدهم، ویژگی‌هایی مانند ناظر به حقوق، ناظر به نیاز، سلوک محور، بر پایه روابط انسانی و نیز بر پایه فقه‌های تخصصی دارد و در آن انواع فقه‌های نوین، مانند فقه اجتماعی، فقه حکومتی، فقه تقنین مدنظر گرفته شده است. در اهل سنت از سال ۱۳۳۲ق با ظهور زرقاء بیشتر ساختارهای متناظر با حقوق شکل گرفت. این ساختارهای به‌نوعی پیروی از ساختار حقوق بوده و از آسیب‌های طراحی ساختار فقه نزد اهل سنت به‌شمار می‌آید.

❁ پی‌نوشت

۱. شرح القواعد، کتاب متاجر، ص ۱.
۲. مقاله‌ای یافت نشد که سیر تطور ساختار فقه اهل سنت را بیان کرده باشد، از این رو تنها طرح‌واره‌ای است که به این مقاله اختصاص دارد.
۳. البته اگر کتاب احیا العلوم را فقهی یا ناظر به فقه بدانیم.

فهرست منابع

۱. آصف آگاه، سید محمد رضی، (۱۳۹۸)، ساختار علم فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. آصف آگاه، سید محمد رضی، (۱۳۹۸)، معیارهای ساختار بندی علم فقه و شاخص های ارزیابی آن، مجله جستارهای فقهی اصولی، ۵، (۱۷)، ص ۵۳-۸۲.
۳. آل نجف، عبدالکریم، (۱۴۲۹ق)، الحلال و الحرام فی الشریعة الإسلامية، قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
۴. ابراهیم عبدالرحمن ابراهیم، (۲۰۰۶م)، المدخل لدراسة الفقه الاسلامی، عمان: دار الثقافة.
۵. ابن زهره، محمد، (بی تا)، الکافی فی الفقه، بیروت: دار المعارف.
۶. ابن جزی، (۱۹۶۸م)، قوانین الاحکام الشرعیة و مسائل الفروع الفقہیة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. ابن عابدین، محمد امین، (۱۴۲۶ق)، حاشیة ردالمختار، بیروت: دار الفکر.
۸. ابن نجیم مصری، زین الدین، (۱۴۱۸ق)، البحر الرائق، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۹. اسلامی، رضا، (۱۳۸۴)، مدخل علم فقه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۰. اشقر، عمر سلیمان، (۱۴۲۵ق)، المدخل الى الشریعة و الفقه الاسلامی، عمان: دار النفائس.
۱۱. اعرافی، علیرضا، (۱۳۸۷)، فقه تربیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. اقبال، محمد، (۱۳۸۶)، فقه مقارن، قم: موسسة النشر الاسلامی.
۱۳. بدران، بدران ابوالعینین، (بی تا)، تاریخ الفقه الاسلامی و نظریة المملکیة و العقود، بیروت: دار النهضة العربية.
۱۴. برجی، یعقوب علی، (۱۳۷۴)، نگاهی به دسته بندی های فقه، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، ش ۳، ص ۲۴۱-۲۶۲.
۱۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۷۳)، رساله نوین، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۶. جمال عطیه و وهبه زحیلی، (۱۴۲۰ق)، تجدید الفقه الاسلامی، دمشق: دار الفکر.
۱۷. حسن زاده، حسین، (۱۳۸۳)، بررسی ساختار فقه، مجله قبسات، ۹، (۳۲)، ص ۲۶۱-۲۹۳.
۱۸. حلبی، ابوالصلاح، (۱۳۸۷)، الکافی فی الفقه، (محقق: رضا استادی)، قم: بوستان کتاب.
۱۹. حلی، جعفر، (۱۳۸۹ق)، شراعی الإسلام، تهران: استقلال.
۲۰. خازم، علی، (بی تا)، مدخل الى علم الفقه عند المسلمین الشیعة، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۱. خضری بکم، حمد، (۱۹۹۲م)، تاریخ التشريع الاسلامی، بیروت: دارالفکر العربی.
۲۲. خلاف، عبدالوهاب، (۱۹۹۲م)، علم اصول الفقه، دمشق: دارالمتحدة.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی.
۲۴. دسوقی، محمد، (۱۴۱۱ق)، مقدمة فی دراسة الفقه الاسلامی، دوحه: دار الثقافة.

۵۰. مبلغی، احمد، (۱۳۹۷)، خبرگزاری تقریب، (۹۷/۲/۳)، شبکه اجتهاد، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷.
۵۱. مدرسی طباطبایی، حسین، (۱۴۱۰ق)، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵۲. مدکور، محمد سلام، (۱۴۲۵ق)، تاریخ الفقه، مصر: دارالکتاب الحدیث.
۵۳. مشکینی، علی، (۱۴۱۸ق)، الفقه المأثور، قم: الهادی.
۵۴. مشکینی، علی، (بی‌تا)، مصطلحات الفقه، بی‌جا: بی‌نا.
۵۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۵۶. موسی، محمد یوسف، (۱۴۳۰ق)، المدخل لدراسة الفقه الاسلامی، قاهرة: دارالفکر العربی.
۵۷. مؤمن، علی، (۱۴۲۵ق)، الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۸. نجاشی، (۱۳۶۵ق)، الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۹. وزارت الاوقاف والشؤون الإسلامية، (۱۴۰۴ق)، الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: ذات السلاسل.
۶۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۳/۰۷/۲۵)، سایت آیت الله هاشمی شاهرودی، درس خارج فقه، جلسه ۴۵۸: <https://www.hashemishahroudi.org/fa/lessons>
۶۱. هاللیان، سعید، (۱۴۰۳)، نگاه درجه دوم به دانش فقه، ذیل عنوان ساختار و تبویب، مجله رهنما پژوهش، ش ۳۳-۳۴.
۶۲. یزدی، محمد، (۱۴۱۵ق)، فقه القرآن، قم: اسماعیلیان.



Semiannual Journal of Teachings of Comparative Fiqh
Vol.1, No.1, spring & summer 2025

—Research Article—

The Evolution of Structural Studies of Islamic Jurisprudence (Fiqh) in Imami Shi'ism and Sunni Islam

Sayyed Muhammad Razi Asef Agah¹ 



Abstract

The structure of Islamic Jurisprudence (Fiqh) is a subject within the realm of the Philosophy of Fiqh (Falsafat al-Fiqh). To date, no independent scholarly article has been dedicated to the study of the evolution of the structure of Fiqh. Just as the discipline of Fiqh has undergone various evolutions throughout past centuries, the structure of this discipline has also experienced diverse transformations. This article, employing a descriptive-analytical method, seeks to comparatively examine and elucidate the course of evolution and structural transformations of Fiqh from its inception to the present day. This article intends to articulate the evolution of comparative structural studies of Fiqh within two general frameworks: structural studies and typological schemes of evolution in the structure of Fiqh knowledge. The contribution of this article is to elucidate the structural evolutions in Imami Shi'i and Sunni Fiqh, which will be presented in summary below.

Structural study (Sakhtar-pazhuhi) is applied, at least, to two types of studies: structural analysis (Sakhtar-shenasi) and structural organization (Sakhtar-bandi). Structural analysis of Fiqh has not witnessed much evolution. However, among the Imami Shi'a, Shahid al-Awwal initiated these discussions in the 8th century AH, and among the Sunnis, Muhammad al-Amili did so in the same century. Structural analysis discussions, after passing through three phases—criteria design, subsequent stagnation, and a renewed phase of criteria design—reached their zenith in the 15th century AH. The evolutions in structural organization of Fiqh have been more significant compared to other sciences. This structural organization, among the Imami Shi'a, was initiated by Halabi in the 5th century AH, and among the Sunnis by al-Ghazali in the 6th century AH. It continued through four stages: emergence, consolidation, stagnation, and revival of structural organization.

Keywords: Philosophy of Fiqh, Structure of Islamic Jurisprudence (Fiqh), Evolution of the Structure of Fiqh, Classification of Fiqh (Tabwib Fiqh), Structural Study (Sakhtar-pazhuhi),

Received date: 2024/12/09

Accepted date: 2025/06/10

This article is derived from a research project entitled "The Desirable Structure of Fiqh" which is being written at the Fiqh and Law Research Institute of the Islamic Sciences and Culture Academy.

1 . Assistant Professor, Department of Philosophy, Jurisprudence and Law, Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
m.asefagah@isca.ac.ir

